

اعتقاد به معاد و نقش آن در تربیت دینی نسل جوان



قسمت اول

مهدی نوید ادهم*

اشاره:

مقاله‌ای که در پیش‌رو دارید در مقام تبیین نقش باور به معاد در تربیت دینی نسل جوان است. در قسمت نخست مؤلف از موانع پذیرش این اعتقاد سخن می‌گوید. ترسیم چهره‌ی مشوه و ناصحیح از معاد، در زمره‌ی عواملی است که نگارنده به آن اشاره می‌کند. با امید به اینکه به انضمام قسمت دوم مقاله در شماره‌ی آینده بتوان برای پرسش اساسی این مقاله پاسخی در خور پیدا نمود شما را به مطالعه این نوشتار دعوت می‌کنیم.



بدانیم این مجموعه همانگونه که با «باور به مبدأ» عجین شده است، بصورت ناگسستگی و انکار ناپذیر با «اعتقاد به معاد» گره خورده است. اگر تربیت دینی مجموعه بینشها، دانشها و گرایشهای افراد را رنگ الهی می‌زند و بر اساس آرمانها، ارزشها و تعالیم الهی شکل می‌دهد این فرایند جز در پرتو «باور به قیامت» حاصل نخواهد شد. اگر هدف در تربیت دینی بالندگی افکار و رفتارهای فردی و اجتماعی در سایه تعالیم پیامبران است این هدف مقدس در تار و پود باور به معاد تنیده شده است.

به بیان دیگر اعتقاد به معاد هم هدف تربیت دینی و رسالت انبیاست و هم زمینه را برای تحکیم پیام الهی مساعد می‌سازد و اجرای فرامین آسمانی را تضمین می‌کند. پیامبران مردم را به باور بر قیامت دعوت کرده‌اند زیرا این باور اجرای سایر دستورات و احکام الهی را ضمانت می‌کند. لذا اگر پیروان پیامبران در عصر حاضر در صدد آشتی دادن مجدد انسان با خدا هستند، اگر از مفاسد اخلاقی رنج می‌برند و فضایل اخلاقی را طالب‌اند، اگر ظلمها، بی‌عدالتیها، آنها را بستوه آورده است و زندگی توأم با امنیت و عدالت را جستجو می‌کنند، اگر از بردگی انسان معاصر در چنگال شیاطین درونی و بیرونی رنجورند و آزادی و آزادی او را در مسیر عبودیت الهی آرزو می‌کنند، باید بدانند تمامی این فضایل در پرتو اعتقاد به معاد بدست می‌آید. عدالت اجتماعی به مفهوم واقعی و عمیق خود در جامعه‌ای حاکم می‌شود که اعتقاد به قیامت در آن وجود داشته باشد. توسعه همه جانبه و پایدار زمانی با عدالت توأم می‌شود که اهداف توسعه در راستای تقویت باور به مبدأ و معاد شکل گرفته باشد. اقتصاد اسلامی در زمانی شکوفا می‌شود که آحاد جامعه به زندگی اخروی باور داشته باشند، روحیه ایثار و شهادت و مجاهدت در راه ارزشها در بین مردمی استمرار می‌یابد که اعتقاد به آخرت در بین آنها نهادینه شده باشد و در یک کلام تربیت دینی تنها و تنها در پرتو باور به زندگی اخروی حاصل می‌شود و حکومت اسلامی تنها بر پایه ایمان به قیامت استوار می‌گردد. در غیر

اصلی‌ترین رسالت نظام آموزش و پرورش در جامعه ما، گسترش و تعمیق تربیت دینی نسل جوان است. جامعه دین مدار برای تحقق اهداف و برنامه‌های خویش نیازمند انسانهای دین باور است که در پرتو تعالیم مذهبی تربیت شده و عطر روحبخش تربیت دینی را در دوران کودکی و نوجوانی استشمام کرده باشند. چنین انسانهایی در دامان پر محبت خانواده‌های بهنجار و مذهبی متولد می‌شوند و در دستان پر عطوفت معلمان دین باور رشد می‌یابند و از نسیم حیات بخش «تربیت دینی» برخوردار می‌گردند. خانه و مدرسه دو جایگاه مهم و حساس هستند که زمینه ساز تربیت مطلوب نسل جوان بوده و آنان را برای زندگی در جامعه آینده آماده می‌سازند. اگر افراد جامعه در دوران کودکی و نوجوانی لذت «تربیت دینی» را چشیده باشند می‌توانند در بزرگسالی «زندگی دینی» را برای خویش رقم زنند و اگر خدای ناکرده در دوران شکل‌گیری شخصیت خویش از نفحات انسانساز مذهب بی‌بهره باشند و یا بدلائل مختلف، «زدگی و تنفر» مذهبی پیدا کنند در بزرگسالی به سختی و بندرت حریم ارزشهای الهی را پاس خواهند داشت.

بی‌شک عوامل متعدد و متنوعی در «دیندار کردن» و «دیندار ماندن» نسل جوان مؤثر هستند که باید توسط دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان - اعم از والدین - اولیای مدرسه - مسئولین جامعه، مورد بررسی، شناسایی و دقت نظر قرار گیرند تا در پرتو هماهنگی و همسویی آگاهانه این عوامل بتوان شاهد تحقق اهداف مقدس تربیت اسلامی در جامعه بود. لیکن با توجه به نقش «باور به قیامت» در تربیت دینی جوانان، در این نوشتار تنها این عامل مورد بررسی و مداقه قرار می‌گیرد. بدان امید که مریبان نسل جوان را مقبول و مطلوب افتد.

یکی از عوامل مهم و مؤثر در تربیت دینی نسل جوان تقویت «اعتقاد به معاد» و نهادینه کردن این باور در روح و روان افراد جامعه است. زیرا اگر تربیت دینی را اندیشیدن بر اساس معارف الهی و رفتار کردن بر مبنای تعالیم آسمانی

اینصورت تنها ظاهری از دین باقی خواهد ماند و از تعالیم دینی تنها بخشی مقبول می‌افتد که زندگی «این دنیایی» مردم را توجیه کند. راستی اگر باور به معاد وجود نداشته باشد به چه دلیل باید از منافع فردی به نفع دیگران چشم پوشی کرد؟ چرا باید به فرمان «ولی فقیه» بر آتش و خون زد؟ چرا باید از مال و جان خویش در راه دیگران ایثار کرد؟ چرا باید لذت و آسایش خود و فرزندان خود را قربانی دنیای دیگران کرد؟ چرا نباید از منابع و منافع دنیوی حداکثر استفاده شخصی را برد؟ چرا نباید به هر قیمت و با مخدوش کردن آزادی دیگران، از آزادی خویش بهره جست؟ چرا باید به نفع دیگران در برابر قانون تمکین کرد؟ و دهها چرای دیگر که تنها و تنها بر محور ایمان به مبدأ و معاد پاسخ واقعی و دقیق خود را می‌یابند. این باور دینی آثار سازنده و مثبت فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی برجای می‌گذارد و زمینه را برای تربیت انسانهای مؤمن و تحقق جامعه توحیدی فراهم می‌آورد. پرورش فضایل اخلاقی و جلوگیری از رذایل روحی، کنترل هواها و هوسها، ایجاد آرامش و اطمینان، تعدیل علائق مادی و دنیوی، تغییر بینش نسبت به دنیا، پرورش روحیه ایثار و شهامت، تقویت روحیه تفاهم و مجاهدت برای برقراری عدالت و قسط از جمله آثار ارزشمندی است که در پرتوی باور به قیامت و زندگی اخروی بوجود می‌آید. به همین دلیل اعتقاد به زنده شدن پس از مرگ ظاهری و حیات مجدد نه تنها ریشه در فطرت انسانها دارد بلکه تمامی راهنمایان آسمانی تقویت این باور را در سرلوحه برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی خویش قرار داده‌اند و انسانها را بدان فرا خوانده‌اند.

در برنامه تبلیغی آخرین رسول الهی، پیامبر اکرم (ص) نیز اعتقاد به معاد و قیامت از جایگاه ویژه برخوردار بوده و آن معلم راستین بشریت در تمامی دوران بعثت و در جای جای پیام انسانساز خویش مردم را به باور قیامت دعوت کرده است. قرآن کریم بعنوان مجموعه تعالیم آسمانی و سند نبوت آن رسول الهی بهترین شاهد این مدعاست و در تعداد قابل توجهی از آیات قرآنی بصورت مستقیم و غیر مستقیم به این اعتقاد و ویژگیها و آثار آن اشاره شده است. بر اساس یک طبقه بندی موضوعی آیات قرآن کریم بیش از ۱۶۴۰ آیه معادل ۲۵/۸ درصد از کل آیات به تبیین و تشریح موضوع قیامت و آخرت اختصاص دارد.^۱ که این درصد در بین موضوعات قرآنی دارای مقام دوم (پس از رسالت پیامبر اکرم (ص)) با ۳۰ درصد آیات است.

در کلام مفسرین پیام آسمانی و ائمه معصومین علیهم السلام نیز تبیین و تشریح این اعتقاد از مقام والا و جایگاه ویژه برخوردار بوده و احادیث و روایات فراوان و متواتر در این باره بدست ما رسیده است که در کتب روایی گردآوری شده است.

در بررسی سیر نزول آیات قرآن کریم و پیام ائمه هدی (ع) نکته زیر قابل تأمل و توجه می‌باشد: هر زمان که جامعه در آستانه تحول عظیم فرهنگی و اجتماعی قرار داشته و مؤمنان باید رسالت فردی و اجتماعی سنگینی را به عهده می‌گرفتند، در چنین شرایطی تبلیغ و ترویج اعتقاد قیامت و زندگی اخروی از شدت و گستردگی بیشتری برخوردار شده است. زیرا تشریح ناپایدار بودن زندگی دنیوی و گذرا بودن لذات و سختیهای مادی و تأکید بر پایداری حیات اخروی و مواهب آن زمینه را برای پذیرش مسئولیتهای خطیر دینی و تلاش در راه تحقق آرمانهای الهی فراهم می‌آورد و به تربیت دینی معنا و مفهوم واقعی می‌بخشد. به همین دلیل بیش از ۴۷ درصد از آیات نازل در باره معاد، در سه سال اول بعثت پیامبر اکرم (ص) و در آستانه علنی شدن رسالت رسول گرامی و در نتیجه سنگین شدن مسئولیت مؤمنان و یاران او نازل شده است.^۲

تجربیات تاریخی نیز گواه این مدعاست هر زمان اعتقاد و باور به قیامت در تاروپود جامعه تنیده شد و مردم آگاهانه و صادقانه به این باور دینی ایمان آوردند دستاوردهای مهم و سترگ در زندگی فردی و اجتماعی آنان بوجود آمد و هر زمان این باور تضعیف شد آسیب پذیری فردی و جمعی نیز افزایش یافت. به عنوان مثال تجلی ارزشمند و ماندگار اعتقاد به قیامت در دوران معاصر را می‌توان در مبارزات پیروزمند انقلاب اسلامی و مجاهدات هشت سال دفاع مقدس بخوبی مشاهده کرد که تمامی این دستاوردها در پرتو اعتقاد عمیق و خالصانه به مبدأ و معاد قابل تفسیر و توجیه می‌باشد.

با عنایت به نکات فوق، اینک این سؤال مطرح است که «چگونه می‌توان اعتقاد به معاد را در جامعه و بویژه در بین نسل جوان پایدار و نهادینه کرد؟ چگونه می‌توان کودکان و نوجوانان را با ایمان به قیامت و زندگی اخروی تربیت کرد؟» پاسخ سؤال فوق از آنجهت در شرایط فعلی حائز اهمیت است که نسل حاضر درصد ایجاد تحول عظیم فرهنگی در جامعه و برپائی تمدن اسلامی می‌باشد. بی شک تحقق این رسالت تاریخی و انقلابی تنها در سایه اعتقاد عمیق و گسترده به مبدأ و معاد میسر است. در بعد داخلی تنها زمانی احکام

الهی و ارزشهای انسانی نظیر اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، آزادی و آزادی، عدالت و برادری حاکم می شوند که باور به زندگی اخروی، عمیق و گسترده باشد و در بعد خارجی نیز تنها امتی می تواند در دوران معاصر که عصر دوری از باورهای دینی است پرچمدار عدالت و قسط در زندگی فردی و اجتماعی باشد و در برابر تهاجم فرهنگی دشمنان پایداری نماید که خود آگاهانه و صادقانه به این باور ایمان بیاورد و در راه تثبیت و حاکمیت آنها جانفشانی و ایثار نماید. بنابراین یافتن پاسخ سؤال مذکور و تلاش در راه تعمیق اعتقاد به زندگی اخروی و برنامه ریزی برای تربیت نسل جوان بر اساس این باور در واقع تلاش در راه پایداری ارزشها و حاکمیت فرامین آسمانی و در نهایت تلاش برای برپائی تمدن اسلامی است. یادآوری این نکته ضروری است که اعتقاد به معاد و زنده شدن پس از مرگ ظاهری یک امر فطری بوده و از دیرباز انسانها بدان اعتقاد داشته اند و تمهیدات مختلف را برای حیات مجدد خود تدارک می دیده اند.

معمولاً با بالا رفتن سن آدمیان زمینه بیداری این گرایش بیشتر فراهم می آید بطوریکه اغلب افراد کهنسال در اواخر عمر خویش به یاد مرگ و قیامت می افتند و تلاش می کنند با انجام عبادات، خیرات و مبرات، برای زندگی اخروی خود توشه ای بگیرند لیکن غالباً این میل فطری در دوران جوانی که حساس ترین دوران زندگی است کم رنگ می شود. اصلی ترین مسئولیت دست اندرکاران تعلیم و تربیت آنست که با بهره گیری از روشهای آموزشی و تربیتی مختلف گرایش به معاد را از دوران میانسالی به جوانی بکشانند بطوریکه جوانان بتوانند با نگاه به آخرت و التزام عملی به ثواب و عقاب اخروی برای زندگی خویش تصمیم گیری نمایند. قطعاً این تحول عظیم با موانع گوناگون روبرو است که تحقق آنرا با سختی مواجه می سازد و به آسانی بدست نمی آید. لذا برای یافتن پاسخ ابتدا باید موانع تعمیق اعتقاد به معاد بررسی شود سپس روشها و راه کارهای مناسب برای پایداری و تعمیم این اعتقاد در جامعه و در بین جوانان و نوجوانان تشریح شوند:

بخش اول - موانع گسترش و تعمیق اعتقاد به معاد

عواملی که در جامعه دینی باعث تضعیف اعتقاد به معاد گشته و به عنوان موانع اصلی در راه گسترش و تعمیق این باور تجلی می کنند عبارتند از:

۱- فرهنگ حاکم در دوران معاصر

پس از پیدایش رنسانس و فروپاشی اعتقادات مذهبی کلیسا، فرهنگ جدید در اروپا متولد شد. این فرهنگ با اعتقاد به «اصالت انسان» و تکیه بر «اومانیزم» در صدد نفی اندیشه های آسمانی برآمد و دین باوری را به شدت مورد حمله قرار داد. در فرهنگ جدید انسان از خاک بر آمده و در خاک فرو خواهد رفت و تاریخ زندگانی او نه ابتدائی دارد و نه انتهائی، هر چه هست همین زندگی دنیوی و مادی است که باید از آن کمال استفاده و لذت را برد. انسان موجودی صرفاً «این دنیایی» است و خوشبختی و سعادت او نیز باید «این دنیایی» باشد. در این فرهنگ رابطه انسان با خدا و در نتیجه با خودش قطع شده است و انسان هیچ ارتباطی با پیامبران و تعالیم آسمانی ندارد. در زندگی ماشینی، انسان با خود و با دیگران و حتی با طبیعت قطع رابطه کرده است و شب و روز ابزار گونه وبدون تفکر و تأمل بدور خود می چرخد و با تکرار پس از تکرار زندگی را سپری می کند. در این فرهنگ انگیزه ای و فرصتی برای اندیشیدن درباره خدا و قیامت در زندگی روزمره وجود ندارد.

روح حاکم بر تمدن غرب با اعتقادات دینی و بویژه با باور به قیامت در تعارض است و فرهنگ ماده گرایی، زندگی این دنیایی را تبلیغ و ترویج می کند. لذا حاکمیت فرهنگ معاصر یک مانع اصلی در گسترش اعتقاد به زندگی اخروی می باشد که متأسفانه این فرهنگ توسط غرب گرایان، روشنفکران و حکومتهای وابسته به غرب در کشورها تبلیغ می شود و آنان با ترویج سکولاریسم سعی در حاکمیت فرهنگ غرب در دیگر نقاط جهان را دارند.

۲- تعارض آخرت خواهی و دنیا گرایی

انسان معاصر متأثر از فرهنگ حاکم، خواهان زندگی آرام مادی است و می خواهد از لذات و مواهب طبیعت حداکثر استفاده را ببرد. بهمین دلیل یکی از اهداف استراتژیک و بنیادی دولتها، دستیابی به «توسعه ملی» است این توسعه بیشتر در «توسعه اقتصادی» تجلی پیدا کرده است و دولتها در یک رقابت شدید و فشرده بسوی آن در حرکت می باشند.

به نظر ایشان برای دستیابی به توسعه باید «تولید» بالا رفته و سرانه تولید ملی افزایش یابد و برای رشد تولید باید «مصرف» افزایش پیدا کند در نتیجه مردم باید «بیشتر» و «متنوع تر» مصرف کنند تا تولید کنندگان داخلی و خارجی

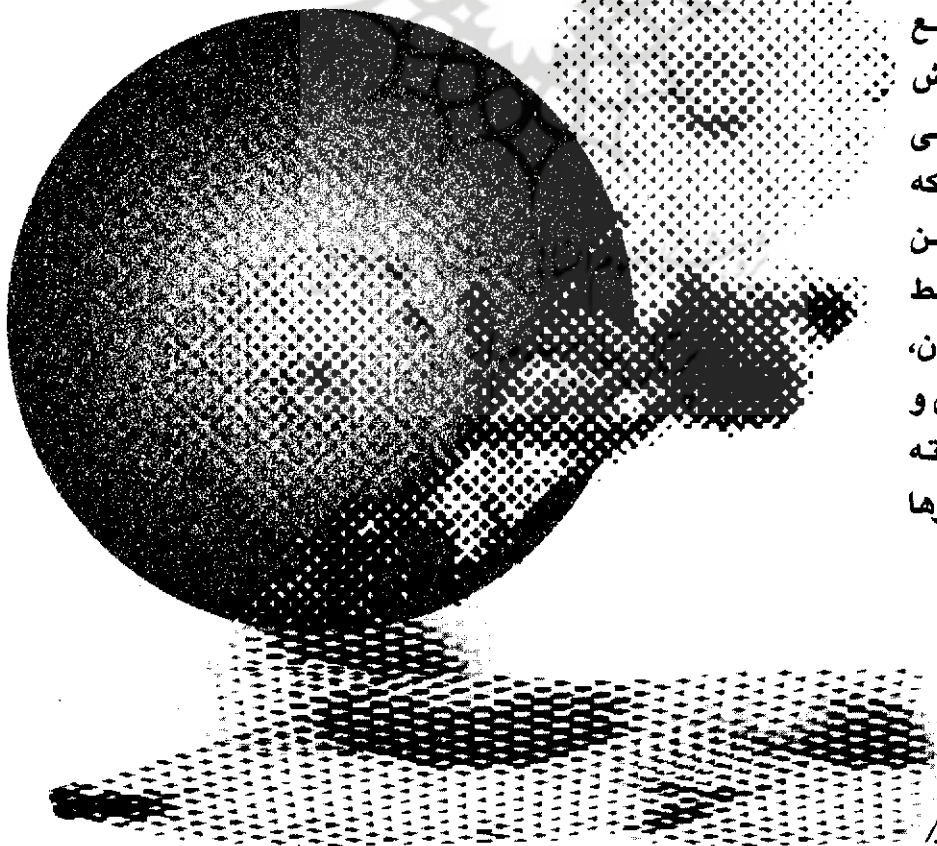
*** بر اساس این طبقه بندی موضوعی آیات قرآن کریم بیش از ۱۶۴۰ آیه معادل ۲۵/۸ درصد از کل آیات به تبیین و تشریح موضوع قیامت و آخرت اختصاص دارد.**

*** اصلی ترین مسئولیت دست اندرکاران تعلیم و تربیت آنست که با بهره گیری از روشهای آموزشی و تربیتی مختلف گرایش به معاد را از دوران میانسالی به جوانی بکشانند.**

*** حاکمیت فرهنگ معاصر یک مانع اصلی در گسترش اعتقاد به زندگی اخروی می باشد که متاسفانه این فرهنگ توسط غرب گرایان، روشنفکران و حکومتهای وابسته به غرب در کشورها تبلیغ می شود.**

«بیشتر» تولید کنند و چرخه اقتصاد به گردش در آید و «توسعه» حاصل شود.

در جامعه دینی سؤالات متعددی در زمینه این نگرش و آثار مترتب بر آن وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود:
در جامعه مذهبی تا چه میزان می توان مردم را به مصرف بیشتر دعوت کرد؟ اگر تولید بیشتر، درآمد بیشتر را برای تولید کنندگان بوجود می آورد یک مسلمان تا چه میزان می تواند به کسب درآمد و ثروت پردازد؟ آیا این استغناء او را از خدا دور نمی کند؟ آیا بدون تقویت روحیه دنیا پرستی و مصرف گرایی، می توان تولید را افزایش داد؟ آیا دنیا ملعون و مذموم است؟ احادیث و روایاتی که در مذمت دنیا وارد شده است به چه معناست؟ آیا فقر و تهیدستی نشانه دوری از دنیا و علاقه به آخرت است؟ آیا دنیا خواهی با آخرت گرایی قابل جمع است؟ آیا پذیرش یکی مترادف و ملازم با نفی دیگری



است؟

متأسفانه عدم پاسخگویی روشن به سؤالات مزبور و عدم تمیز دقیق مرز آخرت گرایی و دنیا خواهی سبب شده است تا عده ای برای افزایش درآمد و ثروت خود در تصمیم گیریهای اقتصادی خویش به اعتقادات دینی و باورهای فطری کم توجهی و یا بی توجهی نمایند و بدون دغدغه و با خاطری آسوده به دنیا پردازند و یا با زهد افراطی به رهبانیت انحرافی روی آورند و تحت تأثیر القائات صوفی منشانه از کار و تلاش دست کشیده به انزوا و فقر و فلاکت تن در دهند.

۳- عدم تبیین دقیق معارف اسلامی در زمینه معاد

تصویر تاریک از زندگی پس از مرگ و تأکید افراطی بر ترس از آخرت و عذابهای الهی یکی از موانع گرایش به باورهای مذهبی است. برداشتهای غلط از قرآن کریم و احادیث به همراه استناد به بعضی از روایات ضعیف چهره ای هول انگیز و وحشت زا از معاد و قیامت ارائه می دهد که نتیجه آن تلخ کردن زندگی روزمره در کام معتقدان و مختل نمودن گردش کار و زندگی می باشد و استمرار آن می تواند این تصور غلط را بوجود آورد که دین و سمبلهای دینی (نظیر مسجد و روحانی) فقط از مرگ و مردن و گریه و زاری سخن می گویند و با شادی و نشاط مخالف هستند. این تصویر غلط از دین و معارف دینی با روحیه نشاط طلب و شادی خواه جوان سازگاری ندارد و او را از دین زده می سازد.

همچنین تأکید افراطی بر جنبه عاطفی اعتقاد به قیامت با تکیه بر برداشتهای ضعیف از تعالیم دینی و عدم پرداختن به مبانی استدلالی و جنبه های عقلی و ذهنی آن موجب کاهش گرایش به باور مزبور بویژه در بین نسل جوان می شود. از سوی دیگر بیان سطحی و تکراری معارف الهی در برخی از مجالس مذهبی و رسانه های گروهی سبب شده است تا اشباع کاذب در بعضی از جوانان بوجود آید و آنان انگیزه و نیاز جدی برای درک و فهم معارف اسلامی - و از جمله مباحث مربوط به معاد در خود احساس نکنند.

۴- تعارض رفتار و گفتار برخی از معتقدین معاد

از جمله موانع مؤثر در گسترش و تعمیق اعتقاد به معاد در جامعه تعارض رفتار و گفتار برخی از معتقدین به معاد است که از یک سو مردم را به قیامت و باورهای اخروی فرا می خوانند و از سوی دیگر رفتار و کردار آنها در زندگی فردی و اجتماعی بیانگر علاقه شدید آنان به دنیا و دنیا پرستی است. دعوت کلامی آنان به این باور نه تنها مردم را با آخرت گرایی و معاد مانوس نمی سازد بلکه مخاطبین نیز با پیدا کردن توجیحات ناصحیح (کلاه شرعی) سعی در آرام کردن وجدان و ندای فطرت خویش خواهند کرد و از پذیرش مسئولیت و

رعایت فرامین و اوامر الهی شانه خالی خواهند کرد. هر چند همگان مسئولیت دارند تا اعمالشان بیانگر اعتقاد آنها به قیامت و زندگی اخروی باشد، لیکن مسئولان، حاکمان و مبلغان و کارگزاران حکومت دینی مسئولیت مضاعف دارند زیرا توده مردم رفتار و کردار آنها را ملاک عمل قرار داده و بر آن مبنا به قضاوت می نشینند. این تعارض بر روحیه جوانان آثار منفی بیشتری بر جای می گذارد زیرا آنها در سن الگو پذیری هستند و با تاسی به رفتار بزرگسالان بویژه مدیران و معلمان زندگی آینده خود را رقم می زنند.

۵- هوای نفس و امیال شیطانی

خلقت انسان ترکیبی از نار و نور است و غرایز پست حیوانی به همراه گرایش عالی انسانی در سرشت او به ودیعت نهاده شده است «فالهمها فجورها و تقویها»^۱ همچنانکه پیامبران آسمانی، انسانها را به کنترل هوای نفس و رشد گرایشهای عالی فطری فرا می خوانند و او را به فلاح و رستگاری دعوت می نمایند، شیاطین جن و انس نیز انسان را به تبعیت از غرایز و سیر در عالم حیوانیت و امیال نفسانی سوق می دهند. لازمه حرکت در سرازیری نفسانیت، پشت پا زدن به باور معاد و نادیده انگاشتن حساب و کتاب اخروی می باشد. به بیان دیگر باور بر قیامت با پاسخگویی به هواهای نفسانی و نیازهای شیطانی در تعارض است و با اعتقاد به زندگی اخروی نمی توان بی محابا در وادی لذات دنیوی و برآورده کردن نیازهای نفسانی و شیطانی قدم برداشت و از آنجا که دوران جوانی و میانسالی دوران طغیان هواهای نفسانی و فوران خواسته های شهوانی است لذا گرایش به آخرت در این سن به شدت آسیب پذیر می شود.

یکی از نکاتی که زمینه ساز تقویت هوای و هوس نفسانی بوده و در تعلیم و تربیت دینی (بر خلاف تعلیم و تربیت رایج) مورد توجه جدی قرار گرفته است نامشروع بودن روشهای کسب درآمد و ثروت و به تعبیر احادیث «لقمه حرام» است که به عنوان مانع مؤثر و ناپیدا در تضعیف اعتقاد به معاد نقش ایفا می کند. اگر در جامعه ای میدان بروز آزادانه هوای نفسانی بوجود آید و فضای گناه و آلودگی در آن رایج گردد در چنین جامعه ای اعتقاد به معارف دینی بویژه اعتقاد به معاد از بین خواهد رفت.

زیرنویس

۱- سیر تحول قرآن - سید محمد مهدی جعفری - انتشارات قلم - ص ۱۶۵

۲- همان منبع - ص ۱۶۱

۳- قرآن مجید - سوره شمس - آیه: پس خداوند پاکبها و ناپاکبها را به نفس انسانها الهام کرد.

* معاون پشتیبانی و برنامه ریزی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی